

پیامبران تبلیغی چه کسانی بودند و شیوه هدایت و تبلیغ آنها چگونه بود؟

به چه رسولانی پیامبران تبلیغی گفته می‌شود و تفاوت آنها با امامان معصوم چیست؟

پیامبران الهی به دو دسته تقسیم می‌شوند، پیامبران تشریعی و پیامبران تبلیغی. اگرچه رسولان هر دو دسته هدف مشترکی داشتند، اما شرایط ایشان و همینطور شیوه رسالت ایشان با هم متفاوت بود. پیامبران تشریعی بسیار اندک و دارای شریعت مستقل بودند. هر کدام از ایشان دارای دین خاص و کتاب آسمانی مخصوص خود بودند. هرچند که با برانگیخته شدن هر پیامبر دین پیامبر قبلی کامل‌تر می‌شد؛ اما همه ادیان الهی دینی واحد هستند، در اصل خود با هم تضادی نداشته و اصول و کلیات آنها یکی است. زیرا همگی از جانب خدا فرستاده شده و همگی مأموریتی یکسان داشتند.

هر شریعتی که توسط یک پیامبر اولوالعزم می‌آمد، شریعت سابق را تکمیل می‌کرد. حضرت ابراهیم، حضرت نوح، حضرت موسی، حضرت عیسی و حضرت محمد صلوات الله علیهم اجمعین پیامبران تشریعی بودند که به آنها «پیامبران اولوالعزم» هم گفته می‌شود.

حدود ۱۲۴ هزار پیامبر برای هدایت بشر فرستاده شدند، اما فقط پنج نفر از آنها پیامبران تشریعی و صاحب شریعت و کتاب بودند. به سایر پیامبران که خودشان شریعت مستقل نداشتند، اما تبلیغ‌گر شریعت پیامبر قبلی بودند، شریعت پیش از خود را آموزش می‌دادند، ابهام و تحریف‌های آن را برطرف می‌کردند و آن را ترویج می‌کردند، «پیامبران تبلیغی» می‌گویند.

پیامبران تبلیغی در زمانی فرستاده شدند که هنوز عقل و علم بشر آن دوره نمی‌توانست به‌خوبی در مورد شریعت تجزیه و تحلیل کرده یا حتی آن را تبلیغ کند. این موضوع باعث می‌شد که به مرور کتاب‌های آسمانی پیامبران گذشته از بین رفته یا تحریف شوند. پیامبران تبلیغی یکی پس از دیگری و حتی گاهی هم‌زمان با هم از جانب خدا فرستاده می‌شدند، تا در فاصله بین بعثت پیامبران اولوالعزم شریعت و آموزه‌های پیامبران حفظ شود، مردم از هدایت الهی دور نمانده و گمراه نشوند. با بعثت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) نبوت تشریعی و تبلیغی ختم شد و پس از ایشان هیچ پیامبر دیگری از جانب خدا فرستاده

نشد. ایشان خاتم پیامبران شدند و اسلام به عنوان کامل‌ترین دین و خاتم تمام ادیان گذشته معرفی و ابلاغ شد، اما نقش امامان معصوم (علیهم‌السلام) در این دوره شروع شد و هدایت امت اسلام را به عهده گرفتند. حال سؤال‌هایی مطرح می‌شود که پاسخ آنها به روشن شدن درک ما در مورد نقش پیامبران تبلیغی و چرایی قطع نبوت کمک می‌کند:

- چرا پس از اسلام و ظهور رسول اکرم نبوت خاتمه یافت؟
- با ختم نبوت تشریعی و تبلیغی تکلیف مردم بدون پیشوا و راهنما چه می‌شد؟
- تفاوت پیامبران تبلیغی با امامان معصوم چه بود، آیا مقام و وظایف آنها یکسان بود؟
- شیوه هدایت و تبلیغ پیامبران تبلیغی چگونه بود، آیا عملکرد همه در مسیر تبلیغ و هدایت مشابه بود؟

ختم نبوت تشریعی و تبلیغی

با بعثت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نه تنها نبوت تشریعی، بلکه نبوت تبلیغی هم خاتمه پیدا کرد. اسلام کامل‌ترین شریعت الهی بود، همه ادیان و پیامبران به این موضوع ایمان داشتند و صراحتاً مژده خاتمیت اسلام و ختم نبوت حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را داده بودند، پس اعلام شد که باب نبوت بسته شده و پیامبر دیگری پس از حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نمی‌آید. دلایل پرشمار و گوناگونی بیان شده که لزوم ختم نبوت را بیان می‌کند که مهم‌ترین آنها به شرح زیر هستند:

- تکمیل شریعت و اتمام نزول احکام و معارف دینی
- مهم‌ترین دلیل ختم نبوت آن بود که همه آنچه بشر در مورد معارف دینی و احکام فردی و اجتماعی به آنها احتیاج داشت، به پیامبر نازل شده و شریعت به کمال رسیده بود. اما در شریعت‌های گذشته همه احکام و معارف بر پیامبران تشریعی نازل نمی‌شد و بعضی از آنها به پیامبران تبلیغی نازل می‌شد.
- وجود امامان معصوم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و شاگردان ایشان
- امت‌های گذشته مثل کودکی بودند که توان نگهداری از کتابشان را نداشتند و بعد از مدت کوتاهی آن را پاره می‌کردند، اما امت اسلام اینطور نبودند. از مهم‌ترین دلایل نیاز به ظهور پیامبر جدید، لزوم تبیین و

آموزش شریعت و استمرار رابطه مردم با حجت خدا بود. این موضوع در اسلام به دلیل وجود پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) تأمین می‌شد. امت حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) در پناه تربیت و هدایت امامان معصوم (علیهم السلام) به رشد علمی و عقلی بهتری نسبت به امت‌های گذشته رسیده بودند و بهترین جایگزین برای پیامبران تبلیغی را در اختیار داشتند، پس به حضور پیامبران تبلیغی در این دوره نیازی نبود.

امامان معصوم (علیهم السلام) مربیانی متخصص به امور انسانی، متبحر در تربیت الهی افراد و مورد تأیید پیامبر بودند. تخصص و تسلط ایشان بر امور هدایت و تربیت افراد چنان بود که پیامبر بعد از انتخاب جانشین خود در ماجرای غدیر خم دیگر دغدغه‌ای در مورد مسئله هدایت و تربیت مردم پس از خودشان نداشتند و خیال ایشان از تعلیم و تبیین دین در نبودشان آسوده بود. از طرفی علمای دینی خوبی توسط امامان معصوم (علیهم السلام) تربیت شدند که با بهره بردن از علم و حکمت ایشان توانستند تبیین و تبلیغ خوب و صحیحی برای اسلام داشته باشند.

• بلوغ فکری انسان

بشر پس از حضرت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) توانست آموزه‌ها و کتاب ایشان را تا حد نسبتاً خوبی حفظ کند، اما امت‌های قبلی به چنان بلوغی نرسیده بودند که میراث معنوی‌شان را حفظ کنند و شریعت و کتابشان به مرور تحریف یا فراموش می‌شد و به برانگیخته شدن پیامبران تبلیغی نیاز می‌شد. مردم در دوره ظهور اسلام تحت تربیت پیامبر قرار گرفته و پس از ایشان با وجود رنج‌ها و مهجوریت‌های بسیار امامان معصوم (علیهم السلام) همچنان از آموزش و تبیین ایشان بهره‌مند بودند. این فرصت موجب بلوغ فکری آنها نسبت به امت‌های گذشته و عدم نیاز آنها به پیامبران تبلیغی شده بود.

تفاوت امام با پیامبر تبلیغی

گفتیم از مهم‌ترین دلایل ختم نبوت تبلیغی وجود امامان معصوم (علیهم السلام) بود، یعنی اگر امامان معصوم (علیهم السلام) وجود نداشتند، بشر همچنان به پیامبران و مبلغانی احتیاج داشت که به ابهامات و سؤال‌های او پاسخ بدهند و او را از گمراهی نجات بدهند. حال ممکن است بپرسیم، تفاوت امام با پیامبر تبلیغی چیست؟

مقام های امامت و نبوت تبلیغی شباهت های مهمی با هم دارند، شباهت هایی مثل مرجعیت دینی، آموزش و تبیین دین، ارتباط با عالم غیب، تحقق بخشیدن به دستورات الهی و ... اما مهم ترین تفاوت های این دو مقام با یکدیگر را در دسته بندی های زیر بررسی می کنیم:

• ارجحیت امامت بر تبلیغ

مقام امامت مقامی برتر و بالاتر از مقام نبوت است و فقط بعضی پیامبران از مقام امامت برخوردار بودند. مثلاً حضرت ابراهیم با وجود آنکه پیامبری اولوالعزم بودند، در اواخر عمرشان بعد از آزمایش های بسیار توانستند مقام امامت را کسب کنند^۱.

• تشکیل حکومت

امام جانشین پیامبر است، صلاحیت و مأموریت تشکیل حکومت الهی را دارد، حتی اگر رسماً نتواند حکومت تشکیل بدهد، در حد توانش به احیاء دین می پردازد، درحالی که پیامبر تبلیغی جانشین پیامبر پیش از خود نیست و مسئولیتی برای تشکیل حکومت ندارد. امام حجت خداست و برای رفع اختلافات و فتنه ها صلاحیت کامل دارد.

• هدایت تکوینی

از مهم ترین تفاوت های این دو مقام آن است که پیامبران تبلیغی صرفاً ارائه دهنده راه هدایت هستند، اما امام علاوه بر هدایت تشریعی و نشان دادن راه هدایت، از [هدایت تکوینی](#) هم برخوردار است، یعنی در قلب انسان ها نفوذ روحانی دارد و با تأثیر روحانی روی وجود انسان او را هدایت می کند، اما پیامبر تبلیغی دارای چنین قدرتی نیست.

• رهبری جامع

مقام امامت یک نوع مقام رهبريست که مدیریت تمام جوانب مختلف مادی، معنوی، روحانی، جسمانی، ظاهری و باطنی مردم را دربرمی گیرد؛ درحالی که گستردگی جایگاه و وظایف پیامبر تبلیغی اصلاً به این صورت نیست.

^۱ قرآن کریم: بقره، آیه ۱۲۴

• مکمل دین

امام مکمل دین و امامت لازمه تکمیل دین است، اصلاً از دلایل کامل بودن و خاتمیت اسلام وجود ایشان پس از پیامبر بود. این موضوع صراحتاً در [آیه اکمال](#) قرآن کریم ذکر شده است. امام جزء متن دین است و شرح جایگاه و وظایف او با پیامبر تبلیغی متفاوت است.

• هدایت سیاسی، اجتماعی و معنوی

از مهم‌ترین تفاوت‌های این دو مقام آن است که امام دستورات الهی را اجرا می‌کند، اما پیامبران تبلیغی صرفاً مأمور ابلاغ، تبیین، تفسیر و تبلیغ هستند. امام نقش مدیریتی و اجرایی در امت دارد؛ درحالی‌که پیامبر تبلیغی چنین جایگاهی ندارد.^۲

• حافظ دین

امام حافظ دین و پاسدار آن از تحریف و انحراف است، اما پیامبر تبلیغی فقط مبلغ دین است.

شیوه هدایت پیامبران تبلیغی

معمولاً وقتی پدر و مادری می‌خواهند فرزندانشان را به کاری مثل درس خواندن وادار کنند، از روش‌های مشابهی استفاده می‌کنند. آنها مدام از فواید تحصیل، آینده شغلی و مالی، لذت‌های مدرسه و دانشگاه و ... در گوش او می‌خوانند، تا فرزندشان برای رفتن به مدرسه تحریک شود، به تحصیل علاقمند شود و برای تلاش انگیزه پیدا کند، به این روش که فرد را از جلو به سمت رشد و پیشرفت می‌کشانیم و با بشارت روزهای خوش به او و تحریک رغبت‌هایش باعث تعالی او می‌شویم، «تشویق» یا «تبشیر» می‌گویند؛ گاهی هم برایش از عواقب مدرسه نرفتن، عاقبت بی‌سواد ماندن، نداشتن ثروت و محبوبیت اجتماعی می‌گویند، تا فرزندشان از درس نخواندن وحشت کند و به درس خواندن پناه ببرد، به این روش که با هشدار دادن و ترساندن فرد از عواقب موضوعی باعث حرکت او به سمت جلو می‌شویم، «انذار» می‌گویند.

^۲ سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق، ج ۵، ص ۲۵۲

به طور کلی هر دو روش انذار و تبشیر به دنبال یک هدف یکسان هستند، اما شیوه آنها متفاوت است و در بسیاری اوقات باید از هر دوی آنها در مسائل تربیتی استفاده شود. علم و تجربه ثابت کرده که به کار بستن تبشیر مطلق یا فقط بهره بردن از انذار به تنهایی کافی نیست، درست همان طور که اگر یک پایه میزی بلند، تعادل میز برهم می خورد و واژگون می شود.

قرآن همیشه از یک طرف نوید و بشارت داده و از طرف دیگر هشدار داده و اعلام خطر کرده است، میزان تکرار این دو در قرآن به هم نزدیک است. انذار و تبشیر دو رکن مهم تبلیغ هستند که انبیاء به فراخور حال، شرایط و موقعیت هر شخص و قومی این دو شیوه را به کار می گرفتند. از آنجا که خداوند به انسان قدرت اختیار داده تا خودش سرنوشتش را انتخاب کند، لازم است توجه داشته باشیم که انذار و تبشیر به این معنی نیست که آن پیامبر کیفر یا پاداشی برای شخص اعمال کرده، بلکه صرفاً به صورت بیم دادن از عواقب تلخ یا مزده دادن به پاداش ها و نتایج خوشایند بعضی از حقایق، آن را بیان کرده است، نهایتاً هم همه چیز به انتخاب آگاهانه خود انسان برمی گردد.

پیامبران تبلیغی با انگیزه بخشی دوگانه به شکل ایجاد ترس سازنده در افراد، ایجاد امید و انگیزه در مردم، برقراری تعادل روانی و تربیتی در مردم، تأثیرگذاری بر اقشار مختلف جامعه، الگوبرداری از شیوه تربیتی خداوند و ایجاد مسئولیت پذیری از دو شیوه انذار و تبشیر برای هدایت مردم، تبلیغ و تبیین دین استفاده می کردند.

در این مقاله به معرفی پیامبران تبلیغی پرداختیم، ویژگی های آنها را برشمردیم، تفاوت آنها را با پیامبران تشریعی و امامان معصوم (علیهم السلام) بیان کردیم. همچنین دلایل ختم نبوت تبلیغی را توضیح دادیم و به توضیح چگونگی هدایت و تربیت مردم در نبود پیامبران تشریعی و تبلیغی پرداختیم.